



سرشناسه: مهروان فر، ابوذر، ۱۳۴۴ -
عنوان: نام پدیدآور: برادر قاسم: سیری در اندیشه حاج قاسم / ابوذر مهروان فر.
مشخصات نشر: م: مهرامیرالمومنین (ع)، ۱۳۹۷.
موضوعات: هنری: ۲۸۴ ص.
شماره: ۳۰۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: سنیانی قاسم، ۱ -
موضوع: سرداران - ایران
موضوع: Generals -- Iran
رده بندی کنگره: ۹۱۳۹۷ ۷۶۵ ۱۶۷ DSR
رده بندی دیویی: ۰۸۴۰۹۲ /
شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۸۹۲۴۲

عنوان: برادر قاسم

مؤلف: ابوذر مهروان فر

ویراستار: وحیده ابراهیمی

مدیر هنری: یاسرامامی

ناشر: انتشارات مهرامیرالمومنین ع

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: چاپ اول - تابستان ۱۳۹۷

مرکز فروش: فردوس - خیابان همافران - همافران ۴ -

جنب مجموعه ورزشی شهید درخشان - مدیریت مجموعه
آموزشی مفید. (۰۵۶-۳۲۷۳۳۳۲۵)

با تشکر از: کانون آگهی تبلیغاتی آفتاب شرقی

حق چاپ محفوظ است.

مهر و مهر

جستاری در اندیشه های راهبری حاج قاسم سلیمانی
در حوزه ولایت، انقلاب، دفاع مقدس، شهادت، مدافعان حرم،
فرهنگ و هنر

مولف: ابوذر مهران فر

ولایت و ولایت‌مداری

۱۹

- ۲۱ چقدر مدیون این مردمیم
- ۲۱ مگر می‌شود این نظام بدون ولایت فقیه سرپا بماند؟
- ۲۲ ارار انسان تابع تعلق اوست
- ۲۳ پیروی از رهبری ربطی به مسائل سیاسی ندارد
- ۲۳ مگر نمی‌گویی دعوتش کردیم؟
- ۲۴ این آمد، این روحانیت است
- ۲۵ اما راحل، خدا معامله کرد
- ۲۵ اعتقاد ولایت، حیه یعنی توجه به تشخیص رهبری
- ۲۶ کسی نمی‌داند رهبری را با دست کند
- ۲۷ امام از عنصر مهم مبتدیان بر نفع برخوردار بود
- ۲۷ امام مگر چه چیزی داشت؟
- ۲۸ مطمئناً من طرف امام خدایم، دروم

انقلاب اسلامی

۲۹

- ۳۱ معرفت دشمن به انقلاب از معرفت ما بیست است
- ۳۱ حرکت شدید نزولی جهان اسلام، یکبار معودی شد
- ۳۲ جمال عبدالناصر جرأت نکرد تل آویز را بزنند
- ۳۳ در جنگ هم بعضی‌ها ترسو بودند، اینطور نبود؟
- ۳۳ آیا ما نباید در تاریکی فتنه داد بزنیم
- ۳۵ انقلاب یک فکر است
- ۳۵ یاری کردن خدا به چه معناست؟
- ۳۶ تربیت مدافع فرهنگی به دست مساجد است نه دولت
- ۳۶ مدیریت انقلابی یعنی این ...
- ۳۱ امروز حتی برای افراد عادی حجت آشکار است
- ۱۰ اگر باورم شد، سقوط می‌کنم
- ۳۹ از نامه امام علی (ع) به مالک غافل هستیم
- ۳۹ اگر امکانش بود، ذره‌ای تردید نمی‌کردند
- ۴۰ اکسیر انقلاب در بین مردم دنیا دمیده شد
- ۴۰ رتبه پاسپورت مهم است اما عزت از آن مهم‌تر!

- ۴۱ انقلاب فرهنگی از کجا نشأت گرفت؟
- ۴۱ چرا هیچ واجبی به پای دفاع از نظام نمی‌رسد؟
- ۴۲ در سپاه هزاران اولیاء خاص خدا قرار دارد
- ۴۳ شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی غلط است
- ۴۴ سپاه، عمود خیمه انقلاب اسلامی است
- ۴۴ امام از ل ترس و وحشت فرصت ایجاد کرد
- ۴۵ اگر بزرگواران و مدیران کاخ‌نشین شوند...
- ۴۵ امام ترس را در جامعه کشت
- ۴۶ از من پرسیدند: چرا این‌ها را با امریکا مخالف هستی؟!
- ۴۷ برخی می‌خواهند رهبری جام زهر سر بکشند
- ۴۷ آبرو به بگیر، ر خدمت رهبری بروید
- ۴۸ اگر جامعه‌ای بی‌رومان فداکار خالی شد...

۴۹ دفاع مقدس

- ۵۱ جنگ تفسیر شخصیه امام خمینی بود
- ۵۱ فضای فرهنگی جبهه، هیچ شباهتی به جنگ ندارد
- ۵۲ شاکیه جنگ ما به چنین آموزش‌هایی نمی‌خور
- ۵۲ در جبهه کسی به خاطر تمرد از جبهه ...
- ۵۳ مشکل ما در شب‌های عملیات
- ۵۴ موضوعیت جنگ ما، بخاطر تفکر حاکم بر آن است
- ۵۴ اگر دشمن شما را دید چه می‌کنید؟
- ۵۵ گنج جنگ، گنج بی‌همتایی است
- ۵۶ شما دستور دادید افراد زیر ۱۷ سال برگردند
- ۵۷ چرا جنگ ما تبدیل به مدرسه شد؟
- ۵۸ اگر روحانیت شیعه بخواهد یک نمایشگاه از خودش ارائه دهد
- ۵۸ پیام امام خیلی عجیب بود
- ۵۹ شب‌های وداع جزو با روحیه‌ترین شب‌های ما بود
- ۶۰ جبهه‌های ما به حوزه‌های علمیه شبیه بود
- ۶۰ دفاع مقدس ما تجسم کربلا بود
- ۶۱ این فرزند شما به درد جبهه می‌خورد
- ۶۱ جبهه و جنگ را مردم اداره کردند
- ۶۲ بچه‌های هر مزگان مظلوم اما شجاع هستند

- ۶۳ او تصور می‌کرد که ما التماس می‌کنیم
- ۶۴ قشر جوان، علاقمند به بُعد فرهنگی جنگ هستند
- ۶۴ بهشتیانی که بهشت مشتاق دیدارشان بود
- ۶۵ دفاع مقدس مکمل انقلاب بود
- ۶۵ اگر در جنگ سریع پیروز می‌شدیم...
- ۶۶ فلسفه حضور در راهیان نور چیست؟
- ۶۶ جنگ مدرسه‌ای به وسعت ملی بود
- ۶۷ اول سراغ ملکه زنبور عسل می‌روند
- ۶۸ این بساط را تنه کردند
- ۶۸ عمل نظامی بن بست دارد ولی جهاد بن بست ندارد
- ۶۹ جنگ ایران تا آخر زمزم نابرابر بود و هم ناجوانمردانه
- ۷۱ سپاه نه شناسایی از جفت داشت و نه سازمان جنگ را
- ۷۱ این دارندگی عرب از برانگیزی کشورهای عرب بود
- ۷۴ آتش دشمن مانند دسه موزیک، ریتم منظمی داشت
- ۷۵ نیروهای ۴۵ روزه را قاطی نه‌ها و سه ماهه می‌کردند
- ۷۶ موازنه‌ای که در دفاع مقدس به هم خورد
- ۷۹ فرماندهان شهید ما در کدام نقطه درگیری سهیل شدند؟
- ۸۰ نباید از والدین شهدا غافل بشویم
- ۸۰ فکر نمی‌کردم جنگ هشت سال طول بکشد
- ۸۱ بعد از فتح خرمشهر چرا جنگ ادامه پیدا کرد؟
- ۸۲ در زمان جنگ دین، جلوی ما بود
- ۸۲ آیا عراقی‌ها به کشته‌هایشان در جنگ افتخار می‌کنند؟

- ۸۷ فلسفه زنده بودن شهید
- ۸۸ از بین شهدا یکی را انتخاب کنید
- ۸۹ می‌گویند عملیات استشهادی!
- ۹۰ باید راهیان نور را به سمت نور هدایت کرد
- ۹۰ معرفت شهید و معرفت ما
- ۹۱ اگر کسی بوی شهید از او استشمام شد، بدانید او شهید خواهد شد
- ۹۱ هرگز مانع گریه مادر و پدر شهید نمی‌شویم!
- ۹۲ مثل یک مرجع تقلید بودند

- ۹۳ اگر خائف بودیم غافل نمی شویم
- ۹۳ انسان می میرد، چه بخواهد چه نخواهد
- ۹۴ نوع و زمان شهادت فضیلت های متفاوتی است
- ۹۴ وجود والدین شهدا سبب دفع بلا است
- ۹۵ حماسی ترین آیات قرآن، مربوط به جهاد و شهادت است
- ۹۶ عموماً ما تعارف می کنیم
- ۹۶ ما گفتند امامزاده ها را بازسازی کنیم
- ۹۷ مسئولیت این خون ها با من است
- ۹۷ فرماندهان شهید ما اعد مدیریت را برهم زدند
- ۹۷ چرا نه هدایمان را من امامزاده ها هستند؟
- ۹۹ حقیقتاً شهادت ما هیچ کس را ندارند
- ۱۰۰ اینها امامزاده ها نیستند
- ۱۰۱ هجرت نخستین سرگناه من مقام شهادت است
- ۱۰۱ جایگاه محبت بالاتر از غلو و علاو است
- ۱۰۲ ما این جوان را در کربلا دفن کردیم در نجف
- ۱۰۳ شهادت برای من، همانند فرزند دورافتاده از ما است
- ۱۰۳ معلوم نیست من سلیمانی تا آخر درین راه
- ۱۰۴ خدای متعال بهانه درست می کند
- ۱۰۵ بالاخره که قرار است همه مان بمیریم
- ۱۰۶ یک برادری به من اعتراض کرد
- ۱۰۶ به شهید میرحسینی اعتراض کردم
- ۱۰۷ از جنگ نادرشاه چه معرفتی حاصل شده است؟
- ۱۰۸ امام راحل غلو نمی کرد
- ۱۰۹ شهدای دفاع مقدس
- ۱۱۱ یک مالک اشتر به تمام معنا بود
- ۱۱۲ ما همه مات و میوهوت حرکات او می شدیم
- ۱۱۳ هیچکس را مانند ایشان ندیدم
- ۱۱۴ دنیای بیکران معرفت بود
- ۱۱۵ شهید میرحسینی را ناجی همه عملیات ها می دانم
- ۱۱۵ تیر به اینجای من خواهد خورد
- ۱۱۶ از خدا می خواستم که پایان عمر من همین مقطع باشد

- ۱۱۶ رقابت دو برادر بر سر رفتن به قتلگاه
- ۱۱۸ شک می کردیم به سن تکلیف رسیده بود یا نه؟!
- ۱۱۹ ما افتخار می کنیم شهبواری مال ما کرمانی ها بود
- ۱۲۲ ما به بی بی سکینه افتخار می کنیم
- ۱۲۴ مرحوم آیه الله مشکینی (ره) یک ربع گریه کرد
- ۱۳۱ شعر این شهید عارف وصف حال امروز ماست
- ۱۳۴ ما به امیرزاده شهرمان افتخار می کنیم
- ۱۳۶ «من گوهری مثل امیر شاهپسندی افتخار می کنم
- ۱۳۷ آن جوان زابلی، که با خدا رفیق بود
- ۱۳۸ «ای خدا! منویش شکر ثارالله بود
- ۱۳۹ مرحبا ه خانوک! مرحبا به مردم خانوک!
- ۱۴۱ اجازه نداد سی قیامت کند
- ۱۴۱ چرا مرا دم در رفت داشتی؟
- ۱۴۲ نام گردان ۴۰۸ را بدون وری داد نرید
- ۱۴۴ اولین کسی که حاضر می شد حمید! ایمنش بود
- ۱۴۶ اگر خواستم عقب نشینی کنم. ب تیر بزنید
- ۱۵۰ «آقا» های لشکر ثارالله
- ۱۵۲ حسن باقری همه ما را کشف کرد
- ۱۵۸ خر مشهر در محاصره است، آن وقت ما برگردیم؟
- ۱۵۹ من خود را مدیون حسن باقری می دانم
- ۱۶۰ حسن باقری اعجوبه جنگ بود
- ۱۶۱ فکر می کردم او را از فولاد ساخته اند
- ۱۶۳ تصمیم شهید محلاتی با تصمیم شهید حججی برابر بود
- ۱۶۵ باز هم خواهند گفت باکری!
- ۱۶۶ این موضوع باعث ناراحتی شهید باکری شد...
- ۱۶۸ این صحنه جزو دیدنی ترین صحنه عمرم شد
- ۱۷۱ شفیع زاده به معنای واقعی کلمه «حسن» بود
- ۱۷۲ به او گفتم پاشو که وضع خیلی خرابه!
- ۱۷۶ انگار در خیابان های جیرفت مشغول قدم زدن است
- ۱۸۱ شهیدی که با غل و زنجیر دفن شد
- ۱۸۲ آقای هاشمی رفسنجانی از کار حاج یونس تشکر کرد
- ۱۸۳ تصور کنید شبی صدها گلوله روی سر آدم بریزد!

- ۱۸۴ انگار با خدا دعوا داشت
- ۱۸۶ احمد خلاصه‌ای از امام بود
- ۱۹۲ احمد از همه ما برجسته‌تر بود
- ۱۹۳ با التماس احمد را از منطقه بدر خارج کردند
- ۱۹۴ صدایی که باید همه ایران آن را بشنوند
- ۱۹۴ ۱۵ سال به یاد شهید خرازی بود
- ۱۹۵ همیشه می‌فتم احمد الهی دورت بگردم!
- ۱۹۵ این: من تا آخر جنگ باقی ماند
- ۱۹۶ مشکل سوریه این است که "همت" و "خرازی" ندارد
- ۱۹۶ مظهر بت و ربب! د پیره حاج همت دیدم
- ۱۹۷ خصوصیت ویژه نه رهای امینی این بود که اهل گریه بودند

۲۰۵ ایران و ایرانی سری

- ۲۰۷ پس کجا بودند این ملی‌گراها؟
- ۲۰۸ خاک بر سر یک عده نادان!
- ۲۰۸ ملی‌گرایی دروغین با محک جنگ
- ۲۰۹ امام ملیت و قومیت ایران را بیمه
- ۲۱۰ شهدا برای همه مردم ایران شهید شدند
- ۲۱۰ من را هدف قرار دهید، نه سپاه را
- ۲۱۱ ای کاش مرا آتش می‌زدند نه پرچم ایران را!
- ۲۱۱ حوادث الهی اتفاقی نیست
- ۲۱۱ مسلمانان غزه و لبنان خط مقدم ما هستند
- ۲۱۲ باید کف پای این ملت را بوسید

۲۱۵ جبهه مقاومت

- ۲۱۷ ایران هزاران سازمان مثل حزب الله دارد
- ۲۱۹ باید می‌رفتید جنوب لبنان را می‌دیدید
- ۲۱۱ فتح خرمشهر الگوی جبهه مقاومت
- ۲۲۰ حزب الله لبنان یعنی مولود مبارک انقلاب اسلامی
- ۲۲۰ شهید بدون مرز
- ۲۲۱ اسطوره‌ای مثل عماد نمی‌شناسم
- ۲۲۳ تا لبخند بر لب سید حسن جاری نمی‌کرد، رهایش نمی‌کرد
- ۲۲۴ عماد، مرد مفاجعات بود
- ۲۲۵ عماد بدون ناراحتی طرف‌ها را شست!

- ۲۲۵ همزمان با سخنرانی سید حسن، موشک شلیک شد
- ۲۲۶ یک بار مرا به اتاق عملیاتش برد...
- ۲۲۷ هیچ شبی نمی‌خواهیم مگر این که به دشمنان فکر می‌کنیم
- ۲۲۸ عده‌ای تلاش کردند پرچم فلسطین را از دست ایران بگیرند
- ۲۲۹ با خودم گفتم ای کاش حضرت آقا این حرف را نمی‌زد!
- ۲۳۰ شکست تکنولوژی برتر در برابر ایدئولوژی برتر
- ۲۳۰ ج. پان حزب الله را بعنوان مزدوران ایران نامیدند
- ۲۳۳ حولات منطقه خاورمیانه
- ۲۳۵ مقابله با داعش عین دفاع از منافع ملی است
- ۲۳۶ لالایعی، لالای اقتصادی است
- ۲۳۷ حرف‌های خدایود استراتژیک آدم‌های بزرگ
- ۲۳۸ می‌گفتند وارد منطقه سوری و عراق نشوید!
- ۲۳۹ آقای اوپاما چرا هیچ غلطی نکردید؟!
- ۲۴۰ ما تا آخر از سوریه - اما می‌مانیم
- ۲۴۰ همه مردم دنیا مدیون مدافعان حرم هستند
- ۲۴۱ حشد شعبی، شجره طیبه عربستان
- ۲۴۲ پسر! این لبنان مالِ تو!

مدافعان حرم

- ۲۴۵ مدافعان حرم، مدافعان حریم انسانیت هستند
- ۲۴۶ اگر مرا شهید کنی، من تو را شفاعت خواهم کرد
- ۲۴۷ هجرت در راه خدا عین شهادت است
- ۲۴۸ چه بخواهیم و چه نخواهیم، خواهیم مُرد
- ۲۴۹ تن خود را به خدا عاریه بدهید
- ۲۴۹ مجاهدت‌های فاطمیون خاک مظلومیت را از چهره افغانستانی‌ها زدود
- ۲۵۰ برای دفاع از حرم تبلیغات دولتی انجام نشد
- ۲۵۰ این حرارت و تپش را حفظ کنید

شهدای مدافع حرم

- ۲۵۵ زرنگ به من و امثال من نمی‌گویند
- ۲۵۶ نترس، درد ندارد!
- ۲۵۷ شهید حججی و آن قاتل خبیث، هر دو ثمره مسجد هستند
- ۲۶۲ تیپ فاطمیون یادگار شهید ابوحامد است
- ۲۶۳ وقتی این حرف را زد، تکان خوردم

برادر حاج حسین، شد ابووهب نه سردار ابووهب
شهید الله دادی هیچگاه آلوده به شهرت طلبی نشد

۲۶۴

۲۶۷

۲۶۹

فرهنگ و هنر

۲۷۱

همین عنوان حاجی که باب شده!

۲۷۲

مسجد یک قرارگاه فرهنگی است

۲۷۳

پس چه کسی می ماند؟

۲۷۳

کاهی مرور می شوید داد بزید

۲۷۴

ما مبارزه با امریکا منطق و مبنا داریم

۲۷۵

اینها جزو اتهامات جنگ است

۲۷۶

آیا نسل دفاع شایسته، نسل ویژه ای بودند؟

۲۷۸

بزرگ ترین خیانت جامعه...

۲۷۹

ای کاش سیدار سیمان همتی بکند

۲۸۰

اینها تهمت و دلیلی است

۲۸۰

آیا می خواهید مذهب سیه را معرفی کنید؟

۲۸۱

چرا باید برخی جوانان را فاصله بگیرند؟!

۲۸۲

من دوست سیدابراهیم هستم

۲۸۲

ترویج فهم غلط از دشمن در جامعه خیانت است

۲۸۳

این قدرت نمایی ما بیش از رژه مسلحانه است

«نامه عجیب حاج قاسم سلیمانی به رئیس ماکون»، «سردار سلیمانی در صف نماز جمعه ابوبکر البغدادی»، «پیامک حاج قاسم به دیوید پترائوس!»، «نامه حاج قاسم به پادشاه عربستان» و ... تیتراهایی هستند که هر روز در رسانه های داخلی یا خارجی منتشر می شود. درباره صحت و سقم این اخبار نمی توان صحبت کرد اما درباره صحت این تیتراها و اخبار با یقین می توان حرف زد:

«معلوم نیست من سلیمانی تا روز آخر عمرم در این مسیر با هم یابم»؛ «اگر از من تعریف کردند و گفتند مالک اشتر و من باورم شد سقوط می کنم»؛ «حسن باقری همه ما را کشف کرد»؛ «مشکل سوریه این است که همت و خرازی ندارد»؛ «اگر من کاظمی از همه ما برجسته تر بود»؛ «من همان برادر قاسم دیروز هستم با همان لباس دیروز البته با محاسن سفید»؛ «شهادت برای من همانند فرزند دورافتاده از مادر است» و صدها سخن زیبا و دلنشین درباره جهاد، شهادت و شهیدان به خدا پیوسته.

نیازی به تعریف از برادر قاسم نیست. صحبت از جهاد و شهادت از زبان او،

برادر قاسم را به خوبی برای همه به تصویر خواهد کشید. آنجا که او دفاع مقدس را به عنوان یک مکتب و اندیشه معرفی می‌کند و این مکتب را آنچنان زیبا و جامع معرفی می‌کند که در آن هم از حماسه خبر هست و هم از ایثار؛ هم مُعرف دین است هم الگوی مدیریت؛ هم عشق به اهل بیت در آن موج می‌زند هم حب وطن؛ هم اسطوره‌ای مانند عماد مغنیه را در خود تربیت می‌کند و هم شهید بدون مرزی و همچون شاطری؛ هم مولود مبارکی به نام حزب الله دارد و هم شجره طیبه‌ای به نام حشد الشعبی.

مکتبی که براساسم از آن صحبت می‌کند، محصول اندیشه امام خمینی (ره) است؛ اسلامی که پشتوانه دین، نظام جمهوری اسلامی را بنیان گذاشت و دفاع مقدس را که در حقیقت مکمل نهضت او بود، راهبری کرد. «برادر قاسم» دفاع مقدس را مدرسه‌ای معرفی می‌کند که در یک زمان واحد یک ملت سی و چند میلیونی در این مدرسه، همه معارف دین را به جا آموخت و آن را در صحنه جنگ و پشت جنگ عملیاتی کرد. او از جنگ به عنوان یک گنج بی‌همتا یاد می‌کند و در هر محفلی که می‌نشیند این گنج عظیم مدرسه را به همه معرفی می‌کند. او باور دارد که با بهره‌گیری از این ذخیره الهی و میراث شهدا می‌توان بر همه مشکلات امروز جامعه غلبه کرد.

او جنگ را تفسیر شخصیت الهی و سیاسی امام خمینی (ره) می‌داند و باور دارد که فضای جبهه، شبیه فضای حوزه‌های علمیه بود تا آن جایی که می‌گوید اگر روحانیت شیعه بخواهد از دستاوردهای خود در طول قرن‌ها مجاهدت برای تاسیس مردم‌نمایشگاهی را عرضه کند، جامع‌تر از دفاع مقدس صحنه‌ای را پیدا نخواهند کرد. «برادر قاسم» به خوبی عمل جهادی و عمل نظامی را از هم متمایز می‌کند آنجا که از گردان غواصان و نحوه آموزش آنها سخن می‌گوید. از نابرابری‌ها و برتری‌های دشمن در جنگ می‌گوید و علت همه پیروزی‌ها را تنها در جهاد خالصانه و رهبری الهی گونه امام راحل می‌بیند.

او در برابر شهدا خاضع و خاشع هست، شیرینی و نقل محافل او یاد شهیدان

است. او به جوانان توصیه می‌کند که هر کدام یک شهیدی را انتخاب کنند و با او انس بگیرند و به اصطلاح با او نثار شوند، از شهیدان هر شهر با نام امامزاده‌های آن شهر یاد می‌کند، وقتی از فلسفه شهادت صحبت می‌کند، شهید را متصل به حقیقت محض می‌داند که به محض شهادت جزئی از آن حقیقت می‌شود، او از شرط شهادت می‌گوید که باید شهیدگونه زیست تا شهید شد. با اینکه در مقابل عظمت پدران و مادران، فرزندان و همسران شهیدان شانه‌هایش از گریه می‌لرزد اما در توصیه‌ای عجیب می‌گوید مانع گریه یادگاران شهدا نشوید و بلکه آن را توصیه می‌کند.

وقتی از ولایت سخن می‌گوید، با غرور و افتخار از داشتن رهبری چون امام خمینی (ره) و امام‌خانه‌ای به خود می‌بالد و با ادای احترام به همه علما، امام خامنه‌ای را سرانجام ره‌نایت می‌داند. ولایت را آن چنان موسع تعریف می‌کند که بتوان همه ملت را در دایره محبت او جای داد. از پایه‌ای به نام محبت سخن می‌گوید و توصیه می‌کند «فرارگاه فرهنگی، خط کشی‌های سیاسی را کنار گذاشته، همه مردم را به چشم خدایا نگاه کنیم».

به باور حقیر، باید به خواسته «برادرانم» احترام گذاشت و از تعریف و تمجید درباره او پرهیز کرد. او مؤمنانه از عظمت خود می‌ترسد و این ترس برای مؤمن نشانه‌ای از ایمان اوست. در فروردین سال ۶۴ رفتی اخبار ساعت ۱۴ شبکه یک سیما خبر از ساخت فیلمی درباره زندگی و شخصیت «برادر غاسم سلیمانی» می‌دهد، ایشان نامه‌ای خطاب به کارگردان این اثر نوشت و در آن ضمن گلّه از مسئولان صدا و سیما می‌نویسد:

«اولا در جمهوری اسلامی ده‌ها شخصیت اثرگذار شهید وجود دارد که شناختن این شخصیت و عملکرد آنها به عنوان الگوهای حقیقی تجربه شده یک ضرورت است. بزرگواران مجاهد و متفکری همچون شهیدان بهشتی، رجایی، باهنر و مطهری در صحنه جهاد شهیدان همت، باکری، زین‌الدین، خرازی و ... در رأس اینها شهید زنده‌ای همچون مقام معظم رهبری «مدظله العالی» که بیش از شصت سال در حال

مجاهدت می‌باشند.

وقتی این خبر را شنیدم حقیقتاً خجالت کشیدم، چه ضرورتی برای پرداختن به فردی که هنوز خوف از عاقبت خود دارد، می‌باشد... بنده نه تنها راضی به چنین اقداماتی نیستم، بلکه به شدت اعتراض دارم.»

اگر بنا بود از شخصیت او تجلیل و نوشته شود، بی‌شک باید به اندازه همه روزهای زندگی او که در جهاد و مجاهدت سپری شده اثر فرهنگی تولید و عرضه می‌شد. اما در مقابل باید اندیشه و سخن او را بی‌کم و کاست به مخاطب منتقل کرد. سخن او چون کوه بر سر آید، حتماً بر دل‌ها خواهد نشست. عزتی که خدای متعال امروز به نام قاسم سلیمانی داده است، بی‌شک مرهون جهاد و استقامت او در راه اسلام است، پس هدایت غیر از اسلام نیست.

وقتی یکی از سئولا محلی استان کرمان در حضور مرحوم حاج حسن سلیمانی؛ پدر حاج قاسم سلیمانی از شهرت ملی و جهانی فرزند او سخن گفته بود و ترس دشمنان را از او بیان کرده بود، آن پدر روشن ضمیر در پاسخ گفته بود: «من از شما متعجبم که چنین حرفی را در برابر پسر من یک سرباز ولایت است آنها از اسلام می‌ترسند نه از پسر من! حاج قاسم تنها یک نشانه از کشور اسلامی و شیعه است.»

امروز زنده نگه داشتن نام همه شهدا همانا تجلیل از شخصیت استثنائی «برادر قاسم» است. وقتی از درایت و نخبگی حسن باقری در جنگ سخن می‌گوییم، مظلومیت و غربت حاج همت حرف می‌زنیم، از عروج عارفانه‌ی باقری یاد می‌کنیم، از تواضع و انضباط احمد کاظمی تعریف می‌کنیم، از اسب‌سوار بودن حماد مغنیه می‌نویسیم، از رشادت‌های میر حسینی و عرفان یوسف الهی می‌گوییم... بی‌شک از خودِ حاج قاسم سلیمانی حرف می‌زنیم. پس چه بهتر که اندیشه «برادر قاسم» را نه تنها برای ملت بزرگ ایران بلکه برای همه آزادی‌خواهان و مستضعفان عالم بشناسانیم.

مبتنی بر این باور بود که سعی کردیم مجموعه‌ای از سخنان ژرور و اندیشه

جهادی برادر قاسم سلیمانی را بی‌کم و کاست در حوزه‌های مختلف به مخاطب عرضه کنیم و آنگاه سعی در رمزگشایی از این سخنان داشته باشیم. بنا بر همان باور بود که درباره شخصیت «برادر قاسم» جمله‌ای نوشتیم.

ضمن دعا و آرزو برای سلامتی این یادگار دوران جهاد و شهادت، از خدای متعال خاسته می‌خواهیم که عاقبت او و همه آرزومندان را با شهادت ختم به خیر کند، هر چنان که او خود از خدا چنین می‌خواهد:

«... منی وقت‌ها انسان به دوستی می‌رسد، التماس می‌کند دعا کن شهید بشوم. عموماً متعارف می‌نمایم می‌گوئیم: نه خدا شما را حفظ کند، شما ضروری هستید. دعا برای شهادت دینی عظم است که نباید ما نسبت به یکدیگر از آن غافل شویم، فیض بزرگی است که در درک حقیقت، چنین فیض بزرگی عاجز هستیم.»

بر خود فرض می‌دانم. راهنمایی‌ها و هدایت‌های سرور ارجمندم جناب آقای دکتر محمدرضا امیرحسین‌خانی، خدایتبار مردم در مجلس شورای اسلامی و از رزمندگان لشکر پرافتخار ۴۱ نارسه و جانباز دوران دفاع مقدس برای خلق این اثر فرهنگی کمال امتنان و سپاسگزاری دارم. همچنین از سرکار خانم وحیده ابراهیمی برای ویراستاری کتاب تشکر و قدردانی می‌نمایم. از خدای متعال خاضعانه و ملتسمانه می‌خواهم که توفیق دهد عمرمان را در راه حفظ و ترویج راه شهیدان صرف کنیم. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین